نگاه

یاران روز غربت!

غلامحسین کرباسچی

● سعادت آشنایی از نزدیک با مرحوم آیت‌الله طاهری برای من از ۱۳۶۱ نصیب شـد. از وقتی که بر اساس دستور امام راحل به استانداری اصفهان منصوب شدم و تا شش‌ماه پس از رحلت امام در آنجا انجام‌وظیفه می‌کردم. روزهای سخت جنـگ بود و حمله‌های وحشـیانه صدام به شـهر اصفهان و اطـراف آن و جانفشـانی‌های نیروهای رزمنـده که برای هر عملیات گروه به گروه به شـهادت می‌رسـیدند و خیل جانبازانی که در بیمارسـتان‌ها بسـتری می‌شدند. دغدغه مسـوولان در چنین روزهایی پشتیبانی از جبهه و نیروهای رزمنده و رسیدگی به مجروحان و خانواده شهدا بود. استوانه اصلی همه نیروهای محلی و دلگرمی و خمیرمایه اعتقادی بسـیاری از جوانان در آن روزها از خطبه‌ها و سخنرانی‌های گرم و کم‌نظیر آن مرحوم بود. در جبهه و در شـهر و در هر مراسمی به پیر و جوان، زن و مرد روحیه و امید می‌داد. آنقدر نقش تعیین‌کننده‌ای داشت که عمده فرماندهان به‌خصوص مرحوم حسین خرازی، فرمانده لشکر امام‌حسین و مرحوم احمد کاظمی، فرمانده لشکر نجف برای هر عملیاتی در غرب و جنوب حتی گاهی با وجود کسـالت و بیماری، ایشـان را ملاقـات می‌کردند و آن پیرمرد زنده‌دل با روحیه‌ای عجیب سرازپا نشناخته گاهی نیمه‌شب از اصفهان حرکت می‌کرد و ساعت‌ها در شرایط بد آب‌وهوایی خود را به جبهه می‌رساند. حضـور او در عملیات‌ها چنان موثـر بود که همه نیروها در جبهه و پشـت جبهه می‌دانستند وقتی آقای طاهری بیاید یعنی عملیات نزدیک است. به همین دلیل فرماندهان برای مخفی نگاه‌داشتن زمان دقیق حمله سعی می‌کردند ایشان را در آخرین روزها و لحظات به جبهه ببرند. مشوق با روحیه، پشتوانه عاطفی و سنگ صبور بسیاری در جبهه‌ها بود. با اصرار و تاکید همه مسـوولان اجرایی را از صدر تا ذیل در خدمت نیروهای رزمنده و خانواده‌هایشان می‌کشاند تا آنجا که گاه در نماز جمعه بر سـر آنها که در شـهرها مانده بودند فریاد می‌کشید و از مظلومیت نیروها در جبهه‌ها می‌گفت و همه را زیـرورو می‌کرد. این فقط در روزهای جنگ و بعد از پیروزی نبود که آقای طاهری همواره چنین پر جوش و خروش بود. او نماز جمعه را در دوران غربت انقلاب و امام از سال ۵۱ در اصفهان شروع کرده بود. آن روزها که نماز جمعه با ترس‌ولرز و حمله نیروهای امنیتی و بگیروببند همراه بود نه سـتادی برای نماز جمعه بود و نه مصلایی و نه امکانات عبادتی و نه هیچ چیز دیگر؛ فقط مردم بودند و خانه خدا و انجام وظیفه سیاسـی و شرعی... آن روزها که برخی یا اعتقادی به مبارزه نداشتند و گاهی حتی مقلد کسانی بودند که نماز جمعه را حرام می‌دانسـتند یا جرات و شـجاعت این جلو ایستادن و مردم را به مبارزه و سیاسـت و ایسـتادگی فراخواندن نبود، طاهری بارها به زندان و تبعید رفته بود و آثاری از شـکنجه و کتک‌های آن روزها در همه سـال‌های عمر بر بدنش باقی بود اما بعدها افراطیانی که حرف او را نمی‌پسندیدند بی‌توجه به اینکه او یادگار باقیمانده چهار شهید دیگر محراب بود که ترور شده بودند و امام همواره بر امنیت ایشان تاکید داشت، در خطبه نماز جمعه به سـویش آهن‌پاره پرتاب کردند و او خانه‌نشـین شد... هر وقت به کسـانی مانند مرحوم آیت‌الله طاهری فکر می‌کنم که در روزهای غربت انقلاب و اسـلام و امام و مبارزه چه می‌کرد یاد آن شاعر عرب می‌افتم که قرن‌ها قبل سـروده بود: «همانا مردانی بر حق و حقیقت و بر بانگ یکتاپرستی تا پایان ایستادگی کردند.گویی خداوند مردانی را برای جنگ آفریده و مردانی را برای کاسـه‌ای فرنی (غذایی آمـاده و راحت) خداونـد او را رحمت کند که از یاران دوران غربت اسلام و انقلاب و امام و مردم بود.»

امام گفت جبهه شما اصفهان است

نعیمه اشراقی . عروس آیت‌الله طاهری

● من از روزی کـه وارد خانواده آیت‌الله طاهری شـدم ایشان را حقیقتا مانند پدربزرگ، پدر و دایی‌ای که از دست داده بودم، دیدم؛ انسـانی وارسته و با مهر و محبت بودند. درحقیقت ایشـان از حلقه‌های اول اطـراف امام از پیش از انقـلاب و در مبارزات رژیم پهلوی و یکی از شـاگردان واقعی امام بودند. همین باعث شده بود که مکتب امام را از نزدیک لمس و حس کنند. برای ایشان امام رهبری بالای یک منبر نبود بلکه با او بزرگ شده بودند و در مکتب امام یاد گرفته بودند که برای از بین‌بردن ظلم باید مبارزه کرد. ایشان درطول جنگ هم خدمات ارزنده‌ای داشتند، لباس رزم از تنشان بیرون نیامد و مثل یک فرمانده جنگ شهری، لشکر اصفهان را رهبری کردند. من حتی شنیده بودم که در دوران جنگ ایشـان چندبار می‌خواسـتند بروند خط مقدم اما امام پیغام داد که جبهه شما اصفهان است و بدن نحیف شـما را من برای خط مقدم مناسب نمی‌دانم. کار شـما این است که لشکر بفرسـتید و ایشان همین کار را کردند. آیت‌الله طاهری بسـیار دلسوز انقلاب بودند و این اواخـر خیلی تلاش کردند مسـوولان را متقاعد کنند که به نام دین رفتارهایی نشـود که به انقلاب و مردم صدمه وارد شـود. کناره‌گیری ایشان خیلی ایثار می‌خواست. در حرف شاید خیلی ساده باشـد اما در عمل و هنگامی که شما امام‌جمعه یک اسـتان هستید و قدرت دارید خیلی سـخت است که اسـتعفا بدهید و خود را از همه مواهب قدرت محروم کنید. به نظرم عشق او به امام باعث شد که در ایام سالگرد فوت امام از دنیا بروند. قبل از اینکه ایشان در بیمارستان بستری شوند، انگشتری از سنگ شرف شمس که قدیمی بود را به‌عنوان یادگاری به من دادند و گفتند که آن را گذاشته‌ام برای عزیزترینم در کره زمین. باید بگویم که من خیلی دوستشان داشتم و به هر حال فقدانشان خیلی مشکل اسـت و من آرزویم این است، اهدافی که در طول حیاتشان محقق نشد، بعد از این رخ بدهد. منزل ایشان در این سال‌ها محل و پناهی بود برای کسانی که دچار برخی آسیب‌ها شده بودند.

بیانیه هاشمی به مناسبت سالگرد ۱۴ خرداد:

نگذاریم تلاش خزنده مخالفان، غبار انحراف بر آیینه افکار امام بنشاند

شـرق: رییس مجمع تشـخیص مصلحت نظام در آستانه سـالگرد درگذشـت بنیانگذار جمهوری اسلامی، بیانیه‌ای صادر کرد. در بیانیه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی آمده است: ۱۴ خرداد، در تقویم رسمی ایران و برای مردم، یادآور طنین بغض‌آلود صدایی است که در غم‌انگیزترین صبح تاریخ این سرزمین، گفت: «روح خدا به ملکوت اعلا پیوست» سالروز آغاز غمی به وسعت دل‌های همه ایرانیان و پایان استشمام جهان اسـلام از گُل وجود شخصیتی است که در سن ۸۱ سالگی، جوان‌ترین نهضت مردمی را به بار نشاند.

مـردی کـه پـس از شـهادت پـدر در راه مبـارزه با زیاده‌خواهـان و در دفـاع از رعیت مظلـوم، کودکی را در دامان مادر و نوجوانی را در مشاهده میدانی اتفاقات روزگار، مخصوصا مشـروطه گذراند و با علم به تاثیر افراط و تفریط در انحراف مسیر نهضت‌های مردمی، غمی سنگین در سینه داشـت و می‌فرمود: ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب کاری‌تر از اغیار بوده و هسـت... خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است، هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است.» در جوانی از حجره‌های حوزه علمیه و در اوج شـهرتِ محبوبیت و مرجعیت، بیرق مبارزه با بی‌عدالتی‌های اقتصادی و سیاسـی رژیم پهلوی و تغافل و تجاهل فرهنگی و اجتماعی «ولایتیون» آن روزگار را برافراشـت که هر ندای عدالت‌خواهی و مبارزه با ستم را پرچم ضلالت در زمانه غیبت می‌دانستند.

خانواده و خاندانش را چنان در جهاد فی‌سبیل‌الله تربیت کرده بود که زمانی با شـهادت حاج‌آقا مصطفی و زمانی با شـهامت حاج احمدآقا، روابط عاطفی پـدر و فرزندی را با مفاهیم متعالی اسلام پیوند زد و نگذاشت فرزندانش شیرینی تملق و چاپلوسی را بر تلخی سخنان حق و حقیقت ترجیح دهند. مردی که آیینه خیالش در شنیدن انتقاد، هرگز آلوده به زنگار کینه نمی‌شد و تملق چاپلوسان او را غره نمی‌کرد و باران لطافت طبعش به آبیاری مزارع گروه‌ها و جناح‌های سیاسی منحصر نمی‌شد و همیشه چون پدری مهربان، برای همه به‌طور یکسان «بشیرا و نذیرا» بوده است.

اینـک ۲۴ سـال پـس از آن واقعـه عظیـم، ماییم و آرمان‌هایی که آن بزرگوار برای ملت‌ها و امت‌ها ترسیم کرده بـود. هرچند هر روز کـه از عمر زمینی‌مان می‌گذرد، خلأ وجودی آن پیر فرزانه را بیشـتر حس می‌کنیم، اما وظیفه ماست که نگذاریم گذشت زمان و تلاش خزنده مخالفان آن عزیز، غبار فراموشی و انحراف بر آیینه افکارش بنشاند. وظیفه ماست که نگذاریم یادگارانش را به گناهی نکرده و گفتاری که در محکمه بعضی‌ها، جرم آشـکار است، مورد جفا قرار دهند و با کلماتی بنوازند که تکرار گفتار بعضی‌های دیگر با حضرت فاطمه (س) در سال‌های پس از رحلت پیامبر (ص) در مدینه است و شبیه رفتاری است که با پشت‌کردن به آیه صریحه: «قُل لا أَسأَلُکُمْ عَلَیهِ اَجْرا اِلا الْمَوَدهَ فِی الْقُرْبَی» با دو سبط نازپرورده پیامبر و ذریه مقدسش شد، گرچه این جمله فقط تشبیه است و نه تساوی.

در پایان بیانیه هاشمی آمده است:

سـخنم با مردم و بیت شـریف امام به‌عنوان کسی که سال‌ها از انفاس قدسـیه‌اش، سعادت کسب فیض داشت، این است که به نشـر آثار آن زعیم عالی‌قدر و ثبت آنها در تاریخ بکوشید و در این راه ثابت‌قدم بمانید که اگر در این راه کوتاهی کنیم، دیوارهای فاصله جامعه با امام هر روز بلندتر و بلندتر می‌شود.

سالگرد رحلتشـان که در اتفاقی اعجازگونه همزمان با سـالگرد اولین قیام رسـمی مردم در پانزدهم خرداد سال ۴۲ شـده، فرصت مغتنمی اسـت تا یک‌بـار دیگر گفتار و رفتارش را مرور کنیم تا نگذاریم اسراییلیات، تفسیر و تاویل سـخنانش برای انحراف از اهداف راستین مبارزه و انقلاب اسلامی باشند.

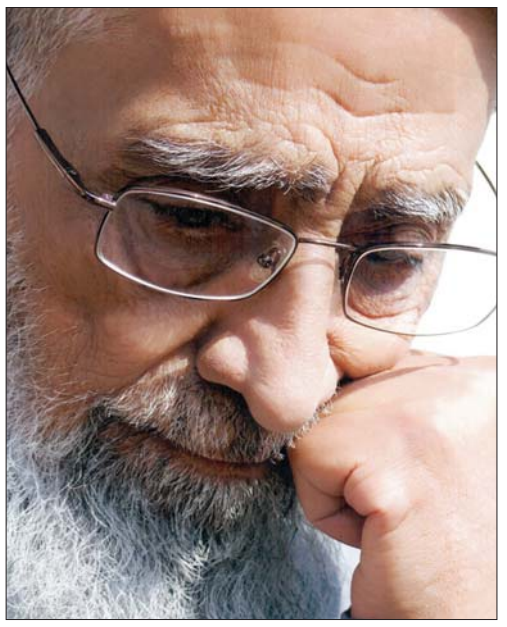

آیت‌الله طاهری درگذشت

کوچ «امام جمعه»

شـرق، مهسا جزینی: در سـال ۱۳۰۵ در محله حسین‌آباد از محله‌های قدیمی شهر اصفهان به دنیا آمد. پدربزرگش تحصیلات حوزوی داشت. به اصرار پدر که علاقه داشـت تحصیلات جدید فرزندش به مرحله‌ای برسد، تحصیلات خود در «دبیرستان سعدی» از مدارس معتبر اصفهان را آغاز کرده و موفق شد در سال ۱۳۲۳ با رتبه شاگرد اول، از این دبیرستان در رشته علوم انسانی دیپلم بگیرد. اما در نهایت با اصرار پدربزرگ راهی مدرسه صدر و سپس قم شد. آیت‌الله طاهری در دوران تحصیلات حوزوی با افرادی چون امام موسی صدر، آیت‌الله شبیری‌زنجانی و دیگر علمای مطرح قم هم‌درس و همراه بود و آن طور که خودش گفته است: «یکی، دو سال هم با شهید آیت‌الله دکتر بهشتی دیواربه‌دیوار و همسایه بودیم و اکثر اوقات را با هم به سر می‌بردیم.

آقـای امام موسـی صدر هم پیش ما می‌آمدند و هرسـه نفـری با هم نهار می‌خوردیـم و صحبت می‌کردیم. خیلی خوب به خاطـر دارم که با هم مانوس بودیم و جلسات گرمی داشتیم.»آیت‌الله طاهری پس از پایان دروس سطح در قم، برای درس خارج به ترتیب به درس مرحوم آیت‌الله خوانساری، آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله محقق داماد می‌رفت. البته از درس خصوصی با امام نیز در خاطرات خود صحبت کرده و می‌گوید: «یک درس خصوصی هم امام خمینی در حجره شهید مطهری داشتند که در آن درس آیت‌الله منتظری، شهید مطهری و شهید بهشتی شـرکت می‌کردند و من هم در آن درس حاضر می‌شـدم. مقداری هم به درس فقه امام رفتم اما آن درسی که تماما دیدم، یک دوره کامل اصول بود نزد مرحوم آیت‌الله محقق داماد. ایشـان در قم معروف بودند که محقق هستند و درسشان تحقیقی است.»اولین اعلامیه‌ای که او با دیگر روحانیون اصفهان امضا کرد، اعتراض به کشـتار ۱۵ خرداد سـال ۴۲ در تهران و قم و دیگر شـهرها بود و باز در تیر ۴۲ اعلامیه دیگری در حمایت از آقای خمینی امضا کرد. یکی از شـاخص‌ترین اقدامات وی در اصفهان، برگزاری نماز جمعه بود. آیت‌الله طاهری در سخنرانی‌ها و خطبه‌هـای نماز جمعه خود از مطالب منتخب دکترعلی شـریعتی نیز بهره می‌گرفت و جوانان بسیاری را به نمازجمعه و جلسات خود جذب می‌کرد. طاهری یکی از معدود روحانیون مبارز انقلاب اسـلامی اسـت که در دوران تبعید امام خمینی(ره)، برای دیدارش به خارج از کشور رفت؛ «تلاش کردم و یک گذرنامه اقامتی گرفتم و با این گذرنامه اقامتی سـالی دوبار به نجف می‌رفتم.» برگزاری نمازجمعه در اصفهان توسـط آیت‌الله طاهری و حضور پرشور مردم، چندان به مذاق ساواک خوش نیامده و بالاخره زمانی رسید که نماز جمعه را تعطیل کردند.

بـا این‌حال آیت‌الله طاهری به اقامه نماز جمعه ادامه داد که در نهایت منجر به دستگیری‌اش توسط سـاواک و تبعیدش به مهاباد شد. بعد از پایان تبعید و بازگشتش به اصفهان اقامه نماز جمعه‌ها دوباره آغاز شد، اما او بازهم دستگیر و به تهران منتقل شد. در تهران در اثر شکنجه‌ها بیمار و به بیمارستان شهربانی منتقل گردید. بعد از ترخیص به زندان قصر و بند عمومی منتقل گردید. طاهری می‌گوید: «من با مرحوم آیت‌الله طالقانی، در حدود سـه ماه، در یک اطاق بودیم. خوب با ایشان مانوس بودیم. گاهی صحبت علمی می‌شد و گاهی هم صحبت از سیاست می‌شد.» مقارن با رفتن شاه طاهری هم بعد از مدتی به اصفهان منتقل و نهایتا آزاد شد. روز ششم بهمن سال ۵۷ که امام اعلام کرده بود می‌خواهد به ایران بیاید فرودگاه مهرآباد بسـته می‌شود، در اعتراض به این اقدام آیت‌الله طاهری در کنار دکتر بهشتی، شهید محمد منتظری، شهید باهنر، خلخالی و آیت‌الله خامنه‌ای جزو هسته اولیه جمعی بودند که در مدرسه علوی تحصن کردند. بعد از انقلاب «آیـت‌الله» در اصفهان ماند و همچنان نماینده امام و امام جمعه اصفهان بود. با آغاز جنگ اما «آیت‌الله» هم مرد جنگ می‌شود و بارها و بارها به جبهه می‌رود. دایما در «لشگر امام‌حسین(ع)» حاضر می‌شد و با حسین خرازی از خطوط مقدم، مقرها و سنگرها بازدید می‌کرد و کنار رزمندگان بود. بعد از دوران جنگ و آغاز دوران سازندگی هم شیوه «آیت‌الله» همچنان حمایت است.

به‌ویژه که رابطه خوبی با اسـتانداران وقت اصفهان دارد، سال ۶۵ وقتی قرار دیداری با امام(ره) گذاشـته می‌شود، این غلامحسـین کرباسچی و «آیت‌الله» هستند که باهم همراه می‌شوند و نزد ایشان می‌روند. از همین‌روست که یک‌سال بعد از روی کار آمدن دولت خاتمی و به محکمه کشـاندن کرباسچی، شهرداری پیشین اصفهان، آیت‌الله گلایه می‌کند که: «آقای یزدی قبلا اعلام کرده بودند که کرباسچی اختلاس ندارد اما الان دیدیم که در پرونده ایشان اختلاس و ارتشاء را هم‌چسباندند.»

او اظهار امیدواری کرده بود که کرباسـچی به‌زودی آزاد شـود. نماز جمعه اصفهان در آن دوران اما مدام از سوی گروه‌های فشار به تشنج کشیده می‌شد. تا جایی که یک بار یک گروه ۴۰ تا ۵۰ نفری در وسط میدان نقش جهان جمع شدند و علیه کرباسچی شروع به شعار دادن کردند. یکی از آنها خطاب به آیت‌الله طاهری گفت که چرا در نماز جمعه مسایل سیاسی مطرح می‌کند که او در پاسخ گفت خطبه‌های نماز جمعه جای طرح مسایل سیاسی است. طاهری در همان روز از نیروی انتظامی به علت برخورد نکردن با آشـوبگران انتقاد کرد. ۲۶ دی سال ۷۷ مقارن با روز قدس بود اما نماز آن روز به علت برخی تشنجات برگزار نشد. عده‌ای پیش از نماز شروع به توهین به آیت‌الله و استاندار وقت کردند. سال ۷۹ چند نفر از اعضای «انصار ولایت» اصفهان از آیت‌الله طاهری شکایت کردند. در نامه‌ای به دادسرای ویژه روحانیت اصفهان از آیت‌الله طاهری نماینده ولی‌فقیه و امام جمعه اصفهان به‌عنوان طراح و برنامه‌ریز و مجری جلسـات پنج شب با فرهیختگان ملت در حسینیه اعظم حسین‌آباد اصفهان شکایت شده بود و این نامه به امضای ۱۶ نفر از اعضای آن رسـیده بود. و تیرماه ۸۱ اما مصادف است با انتشار نامه استعفای آیت‌الله طاهری و کناره‌گیری‌اش از امامت جمعه استان اصفهان. سال‌های بعد از کناره‌گیری را آیت‌الله عموما درگیر بیماری و عوارض ناشی از کهولت سن بود. به علت پوکی استخوان یکی، دو مرتبه دچار شکستگی استخوان شد که مدت‌ها بستری بود. وضعیت جسمی آیت‌الله در این ماه‌های آخر به وخامت گرایید تا جایی که ۵۰ روز در بیمارستان بستری و دو روز آخر پیش از فوت هم در کما بود.

پیام تسلیت خانواده شهید بهشتی

خانواده شهید آیت‌الله دکتر بهشـتی در اطلاعیه‌ای فوت آیت‌الله طاهری را تسـلیت گفت. در این اطلاعیه آمده اسـت: با کمال تاسف و تالم خبر درگذشـت عالم مجاهد مرحوم آیت‌الله طاهری اصفهانی دریافت گردید. سابقه آشنایی دوستی آن مرحوم با شهید آیت‌الله دکتر بهشـتی به آغاز دوران تحصیل علوم دینی بازمی‌گشـت و پس از آن این رابطه تا زمان شـهادت ایشان اسـتوار باقی ماند. آیت‌الله طاهری یکی از سرمایه‌های علمی و اجتماعی اصفهان و از پیشتازان مبارزات آزادیخواهانه انقلاب اسـلامی ایران به رهبـری امام‌خمینی بودند. از خداوند منان برای ایشـان علو درجات و برای بازماندگان محترمشان صبر جمیل مسئلت داریم.

پیام تسلیت هاشمی

رییس مجمع تشـخیص مصلحت نظام در اطلاعیه‌ای اعلام کرد درگذشـت آیت‌الله سیدجلال‌الدین طاهری اولین امام‌جمعه اصفهان موجب تاسف و تاثر خاطر گردید. در این اطلاعیه آمده است: درگذشت آن فقید سـعید را که در طول عمر پر برکت خود در مسـوولیت‌های خطیر امام‌جمعه و نمایندگی ولی‌فقیه در اصفهان، عضویت در مجالس خبرگان قانون اساسـی و خبرگان رهبـری، خدمات ارزنده‌ای تقدیم انقلاب اسلامی نمود، تسلیت می‌گویم. از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم مغفور علو درجات و برای بازماندگان محترم، مردم قدرشناس اصفهان، حوزه‌های علمیه این شهر و به‌ویژه بیت شریف ایشان، صبر و اجر مسالت می‌کنم.

پیام تسلیت سیدحسن خمینی

درگذشـت عالـم مبـارز و فقیـه مجاهـد، حضـرت آیـت‌الله آقای سـیدجلال‌الدین طاهری اصفهانی طاب‌ثراه باعث تاسـف و تاثر شد. آن مرحوم در طول سـال‌های سخت و سنگین مبارزه که نام خمینی را تنها می‌شد در سیاه‌چال‌های نظام سلطنتی بر زبان جاری ساخت، از پیشگامان مبارزه بود و با تحمل تبعید و زندان، منادی نام امام عظیم‌الشأن ما گردید و در سال‌های جنگ و جهاد با حضور در جبهه‌های دفاع مقدس و با تقدیم فرزند خویش، شهید علی طاهری از پیشگامان این عرصه به حساب می‌آمد. اینجانب ضمن عرض تسـلیت این ضایعه به مردم شریف اصفهان و همه علاقه‌مندان ایشان به خصوص خدمت همسر فداکارشان ... از خداوند متعال علو درجات آن مرحوم را خواستارم و برای ایشان حشر با اولیا مسألت دارم.

بقیه‌السلف

احمد شیرزاد . نماینده سابق مجلس

طاهری را از وقتی که در مدارس اصفهان بچه محصل بودم می‌شـناختم. آن زمان یعنی حدود سـال‌های ۵۲ به بعد، ما ایشان را به‌عنوان یک منبری انقلابی می‌شناختیم اگرچه سـابقه فعالیت‌های ایشان به خیلی قبل‌تر می‌رسد اما شـناخت من از ایشـان بـه آن زمان بازمی‌گـردد. ما وقتی که می‌شـنیدیم ایشـان جایی منبر دارد، به‌ویژه در روضه‌خوانی‌هـای ایـام محرم که در اصفهـان زیاد برگزار می‌شد، دوچرخه‌سوار می‌شدیم و با دوستان مشتری منبر ایشان بودیم. به نظرم آن زمان مشابه ایشان نداشتیم. بودند منبری‌هایی که کنایه‌هایی به مسایل روز می‌زدند اما آقای طاهری بسیار صریح‌تر بود و جملاتی از مرحوم دکترشریعتی در منبـر می‌خواند کـه در حال‌وهـوای جوانی‌مان خیلی لذت‌بخش بود، اگرچه از شـریعتی زیاد شـنیده بودیم اما اینکه از زبان یک سـید روی منبر ذکر می‌شد جذاب بود. آن زمان به کرات ایشـان دستگیر می‌شد و هربار خبرش می‌رسید ناراحت می‌شدیم و می‌شنیدیم که شکنجه‌های وحشیانه‌ای بر ایشان می‌رود. بازجویی در ساواک اصفهان بود به اسـم «نادری» که تقریبـا همه فعالان قبل انقلاب اصفهان این اسم به گوششان آشناست. این شخص بازجوی ارشـد ساواک اصفهان و معروف به کینه‌ورزی بود. آیت‌الله طاهری هم به کرات اسیر کینه‌ورزی‌ها و عقده‌گشایی‌های این فرد و همکارانش شد. مثلا یادم هست حول‌وحوش سال ۵۶ که مقداری فضای سیاسـی فعال شده بود، جمعی از روحانیون اصفهان اعلامیه‌ای را در حمایت از نهضت امضا کرده بودند. فکر کنم بعد از حوادث قم و قضیه دی ۵۶ بود. این نامه خیلی برای حکومت گران آمد و شـروع کردند به فشارآوردن به فعالان اصفهانی و همه کاسه‌وکوزه‌ها هم سر آقای طاهری شکسـت، در حالی که ایشان مثل بقیه فقط امضا کرده بودند. برای همین ایشان را دستگیر و بعد تبعید کردند. سـال ۵۷ که از تبعید بازگشـت، تمام خیابان امام خمینی امروز و انوشیروان آن زمان، از دروازه تهران تا فلکه دانشگاه (میدان استقلال) به مسافت شش‌کیلومتر مملو از جمعیت و استقبال‌کنندگان بود. یادم هست که ایام نیمه شـعبان بود و آن سال امام خمینی فرموده بودند که ما به دلیل فجایع جشن نداریم. بچه‌های اصفهان اما زرنگی کرده بودند و رفته بودند اعلامیه‌ای با متن «یا حجت‌بن‌الحسن» با رنگ سـیاه چاپ کرده بودند و در تمام مسیر استقبال از آقای طاهری پخش کردند که ساواک و اداره فرهنگ و هنر وقت حسابی رودسـت خورده بودند. منزل ایشان تا زمان انقلاب یک محل امن بود و کسـی قدرت تعرض به آنجا را نداشت و در واقع به نوعی یکی از پایگاه‌های اصلی انقلابیون بود. بعد از انقلاب آقای طاهری یک چهره فعال سیاسی و از یاران نزدیک امام و دوسـتان جریان چپ و خط امام و از حلقه کسـانی بود که بعدا جریان اصلاحات را تشکیل داد. در جنگ هشت‌سـاله ایران و عراق هم مرحوم طاهری به کرات در جبهه حضور داشـت. روزی یادم هست در معیت آقای طاهری در یک تشییع بیش از ۴۰۰ شهید اصفهانی که در عملیات بیت‌المقدس شهید شده بودند شرکت کردیم. وجود ایشان در کنار رزمندگان نقطه امید بود، در ماه چندبار به جبهه سفر می‌کردند و شب‌های متعددی کنار بچه‌های رزمنده می‌نشست. بیشتر شهدای اصفهانی معروف جنگ، مثل شهید خرازی و همت اغلب جزو آنهایی بودند که ارادت و علاقه ویژه‌ای به آیت‌الله‌طاهری داشـتند. باید گفت که ایشان پدر شهید هم بود و یکی از فرزندانش در جنگ شهید شـد. یک دوره‌ای بود کـه ائمه جمعه معروف ایران، مانند آیت‌الله‌دسـتغیب، مدنی و... ترور می‌شدند. یادم هست که آیت‌الله طاهری هم بسیار در معرض خطر بود و حضرت امام دستور حفاظت ایشان را صادر کردند و عنوان «بقیه‌السلف» را به ایشـان دادند. می‌توانم بگویم که خیلی مورد ارادت و توجـه امام خمینی بود و چـه در زمان حضرت امام و چه بعد ایشان نقش سیاسی برجسته‌ای داشت.آیت‌الله‌طاهری درعین حال امام جمعه و نماینده حضرت امام در اصفهان هم بود و در هدایت شهر اصفهان بسیار موثر بود همان‌طور که همه می‌دانند، اصفهان در دهه‌های بعد انقلاب توسعه خوبی یافت و یکی از پیشرفته‌ترین شهرهای ایران شد که بخش زیـادی از دلیل آن را من به‌واسـطه وجود لنگرگاه سیاسـی قوی آقای طاهـری می‌دانم. به ویـژه زمانی که استانداران‌ها با ایشان هماهنگی و همراهی بیشتر داشتند مثل زمان آقای کرباسچی و شهرداری آقای ملک‌مدنی یا دوره استانداری اسحاق جهانگیری، اصفهان پیشرفت قابل توجهی داشت که بخش عمده به دلیل همدلی و همراهی‌ای بود که با محوریت آقای طاهری در تحولات سیاسی شهر اصفهان شـکل گرفت. در جنبش دوم خرداد سـال ۷۶ هم ایشان نقش بسیار بارزی داشت و یادم هست بعد از پیروزی آقای خاتمی ایشان سخنرانی مهیجی در جمع هواداران ایشان داشت و جملات شیوا و شیرینی بیان می‌کرد. در زمانی که همه جریان‌های سیاسـی روی فرد دیگری دست گذاشته بودند آن زمان حمایت پیش‌قدمانه و شجاعانه ایشان بسیار موثر بود. البته مشـخصا خودشـان به‌عنوان رهبر احزاب نبودند اما به عنوان «پدر معنوی» جریان‌های اصلاح‌طلب به حساب می‌آمد و منزل ایشان در طول هفته محل رفت‌وآمد دوسـتان بود. ایشـان سـال ۸۱ از امامت جمعه اصفهان استعفا کرد. به جرات می‌توانم بگویم که در طول شاید سه، چهاردهه که آقای طاهـری مقام امامت جمعه اصفهان را داشت نماز جمعه به واسطه شخصیت ایشان وزن ویژه‌ای پیدا کرد. اقامه نماز جمعه از سوی ایشان به خیلی قبل از انقلاب و زمانی باز می‌گردد که ایشـان امام مسجد جامع حسین‌آباد اصفهان بود... آقای طاهری این مسجد را کاملا به یک پایگاه اصلی بدل کرده بود و به‌رغم فشارهای زیادی که به ایشان می‌آمد اما او نماز جمعه اصفهان را اقامه می‌کرد. سطح خطبه‌هایش هم شیرین بود و کاملا آیین اولیه نماز جمعه که اشاره و توصیه به تقواست را رعایت می‌کرد.

نگاه

بالگرد احمدی‌نژاد سانحه دید، رحیمی در آسانسور گیر کرد

● **شرق:** آنطور که خبرگزاری‌های رسمی گزارش داده‌اند، یکشنبه برای احمدی‌نژاد و اعضای دولتش که برای افتتاح پروژه‌های عمرانی به شمال و شمال‌غرب کشور سفر کرده بودند روز چندان خوشایندی نبود. براساس گزارش «ایسنا» بالگـرد حامل رییس‌دولت و جمعی از مسـوولان اجرایی همـراه او صبح دیروز در جریـان افتتاح پروژه بزرگ‌ترین تونل جاده‌ای کشـور در ارتفاعات البرز دچار سـانحه شد. البتـه در جریان این حادثه که قبل از افتتـاح پروژه و در نزدیکی آن رخ داد، هیچ‌گونه آسـیبی بـه احمدی‌نژاد و همراهانش نرسـید. روایت شـده «خلبان با مهارت کامل توانسـت بالگرد را به زمین بنشـاند.» این گزارش حاکی است احمدی‌نژاد و همراهانش هم‌اکنون در سلامت کامل به‌سر می‌برند و بالگرد سانحه‌دیده نیز برای انجام عملیات تعمیر و بازسازی در محل حادثه زمینگیر شده است. روز گذشـته همچنین خبرگزاری فارس با تیتر «از گیرکردن رحیمی در آسانسـور تا فوران آب جوش بر سـر حضار» خبر سفر معاون اول رییس دولت به اردبیل را پوشش داد. بر اسـاس گزارش فارس، معاون اول رییس‌جمهور و وزیر راه و شهرسازی که برای افتتاح سیستم تله‌مترینگ امور آب استان اردبیل به‌جای پله‌های ساختمان چهارطبقه‌ای این شرکت از آسانسور استفاده کردند، به دلیل گیرکردن آسانسور حدود ۱۰ دقیقه‌ای در داخل آن گرفتار شدند که بالاخره با تلاش مهندسان، آسانسور در طبقه سوم باز شد و آنها مجبور شدند یک طبقه را نیز از راه‌پله استفاده کنند. ایـن خبرگزاری اصولگرا افزوده اسـت: زمانی که رحیمی خواست از ساختمان خارج شود با هجوم خیل عظیمی از معترضان روبه‌رو شد که مدعی بودند واحدهای آنها تکمیل نشده و این افتتاح در حالی انجام گرفت که تنها دو واحد برای افتتاح نمادین آماده شده و بقیه واحدها فاقد امکانات سکونتی است. همچنین جمعی از فرهنگیان که نسبت به این امر معترض بودند حتی دست‌نوشته‌هایی را نیز تهیه کرده بودند که روی آنها این مضامین که چگونه می‌خواهید ما را گول بزنیـد و واحد نیمه‌تمام به ما تحویل دهید، به چشـم می‌خورد. در گزارش فارس همچنین آمده است: «در حالی که رحیمی گرم سـخنرانی بود به یکباره شیر آب آشـپزخانه از محل آبگرمکن فوران کرد و آب بر سـر و صورت همه شـرکت‌کنندگان ریخت در حالی که چند دقیقه‌ای سـخنان رحیمی متاثر از ایـن حادثه ناگوار بود کدبانوی صاحب‌خانه باید آشـپزخانه و تمامی وسایل آنها را بار دیگر بشوید.»

پیام تسلیت عبدالله نوری

● **شرق:** عبدالله نوری در پیامی درگذشت آیت‌الله طاهری را تسلیت گفت در این پیام آمده است: ... امروز عالم تشیع و حوزه‌های علمیه، فقیهی وارسته و ایران، مجاهدی نستوه و با بصیرت را از دست داد و شهروندان غم‌دیده استان اصفهان، در اندوه و سـوگ روحانی سـرافراز و فداکار و پدری دلسوز و مهربان نشسـتند. فقیه مجاهد، مرحوم حضرت آیت‌الله حاج‌سیدجلال‌الدین طاهری با رهایی از رنج جسم و آزردگی روح، از غم دوران آسـود و مظلومیت و غربت خویش را به پیشگاه خداوند احکم‌الحاکمین برد. فقید سعید دردآشنای ما، در سراسـر دوران مبارزه و انقلاب یاوری امین و دلسوز بـرای رهبر فقید انقلاب بود و تـا پایان عمر امام رضوان‌الله تعالی علیه، محبوب ایشـان بود. او عمر با برکت خویش را همگام و همراه با حضرت آیت‌الله‌العظمی منتظری رحمه‌الله علیه، در راه استقرار نظام عدل و انصاف علوی سپری نمود و در دوران انقـلاب بـا تمام توان و نیروی تـوام با ایمان، با استبداد مبارزه کرد و پس از برپایی نظام جمهوری اسلامی نیز هیچ‌گاه آرام نگرفت و استراحت را بر خود حرام کرد...

پیام تسلیت سید محمد خاتمی

● **فارس:** سید محمد خاتمی در پیامی درگذشت آیت‌الله طاهری را تسلیت گفت در این پیام آمده است رحلت عالم جلیل‌القدر و مجاهد، حضرت آیت‌الله آقای سیدجلال‌الدین طاهری رضوان‌الله علیه که عمر شـریف خـود را در مبارزه با طاغـوت و برای اعتلای کلمه حـق و خدمت به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السـلام و بیداری و برخورداری مردم صرف کرد خسارتی است سنگین برای حوزه‌های علمیه و جامعه شریف ایران و عالم تشیع. من این مصیبت بزرگ را به همه مردم شـریف ایران، به‌خصوص اهالی سـرفراز و والامنش اصفهان و ارادتمندان حضرت امام و دوستداران آن بزرگوار تسلیت عرض نموده، از درگاه حضرت احدیت برای آن فقید سـعید علو درجات و برای بازماندگان معـزز صبر و اجر و سـلامتی و برای جنابعالی طول عمر با عزت توام با توفیق خدمت به اسلام و ایران و ادامه راه آن عزیز مسالت می‌کنم. مراتب احترام و تسـلیت مرا خدمت سرکار محترم و مکرم والده گرانقدر و همشـیرگان ارجمند ابلاغ کنید. برای روان بلند شهید بیت طاهری نیز علو درجات آرزو می‌کنم.

ادامه از صفحه اول

مورد عنایت ویژه امام

آنچه که اشکال مسوولان بود را در مراحل اولیه با تذکر ایراد می‌کرد و من به‌ندرت دیدم علیه مسوولی در نمازجمعه حرفی بزند. اول خصوصی سعی می‌کرد اصلاح کند. مگر در مـواردی که می‌دید حق مردم تضییع می‌شود. انصافا یکی از نمازجمعه‌های پرشور و پرنشـاط اصفهان در دوران ایشان برگزار می‌شد و از خطبه‌های ایشان هم خوب استقبال